

## تأثیر نوسازی حکومت پهلوی اول بر پایگاه زنان در خانواده و اجتماع

محمد سلماسی‌زاده<sup>۱</sup>

آمنه امیری<sup>۲</sup>

### چکیده

موضوع بحث حاضر مطالعه پایگاه خانوادگی و اجتماعی زنان در دوره پهلوی اول با توجه به نوسازی است. این نوشته در پاسخ به این ابهام است که در پایگاه و نقش زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی، متأثر از نوسازی‌های این دوره چه تغییری ایجاد شد. چارچوب نظری از مفاهیم پایگاه و نقش در دو شاخص کیفیت زندگی یعنی زندگی خانوادگی و اجتماعی استخراج شده است. پایگاه، نقشی است در الگویی ویژه که موقعیت شخص را در رابطه با کل جامعه نشان می‌دهد و مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف مشخص است. فرضیه اولیه آنست که پایگاه زنان در خانواده و اجتماع با توجه به نقش آنها ارتقا یافت. با اقدامات نوسازی حکومت پهلوی، پایگاه، حقوق و تکالیف زنان در خانواده و اجتماع مورد بازبینی قرار گرفت. در ساخت ایران مدرن زنان عهده‌دار پرورش نسلی وطن پرست و مترقی شدند. مادر و مام وطن مفاهیمی مقدس شدند. بر خانواده تک همسری تأکید شد. قانون ازدواج ۱۳۱۰ گامی مهم در تنظیم قانونی روابط زن و مرد در ازدواج بود. آموزش و پرورش و مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان مورد توجه قرار گرفت. زنان در ابتدا با تقسیم کار جنسیتی در نقش مادر، معلم و تالیپست ظاهر شدند. به تدریج از اواسط دوره در لباس نظامی پیشاهنگی و خلبانی وارد عرصه مردانه شده و برای ورود به حوزه سیاست در دوره بعد تا حدودی زمینه را هموار ساختند. بازساخت پایگاه زنان به عنوان مادر گرچه موجب نگرش جنسیتی برای مشارکت زنان شد اما زمینه‌های ارتقای پایگاه زنان در خانواده و جامعه را از طریق اقدامات قانونی و فرهنگ‌سازی فراهم نمود. گردآوری اطلاعات به شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای و روش تالیف مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

**کلمات کلیدی:** نوسازی؛ حکومت پهلوی اول؛ پایگاه؛ زنان؛ زندگی خانوادگی و اجتماعی.

## *The effect of the first Pahlavi modernization on status women in society and family*

M. Salmasizadeh<sup>1</sup>

A. Amiri<sup>2</sup>

### **Abstract**

The subject is the study of the effect modernization on the status women in social and family in the first Pahlavi rule. This is aimed to response ambiguity that what changes are created during the modernization on the status of women in society and family. The theoretical framework is based on concepts status and role. The status indicate the position of the individual in society and it is the collection of duties and rights. The initial hypothesis is improvement of the status women in this duration. Modernization in duration of Pahlavi the status of women in society and family were revised. For Construction the modern Iran, women were responsible to grow up the new generation that were patriotic and progressive. The motherland and mother were the holy concepts. The monogamous family was highlighted. The marriage law of 1310 was an important step in regulating the relationship between women and men. Education and social-economic participation of women were considered .At the beginning, the women were in society as teacher, mother, typist that were based on gender division of jobs. In middle of period, the other roles that were limited to men were occupied by women such as scouts and pilot. So, these changes ended to enter the women to political at next duration of the Pahlavi rule. Rebuilding women's status as mother led to cooperation of the women in society and increase the social role of the women using the legal proceedings and culture, however the gender attitude created in the period. The data gathering is based on attributive- library and the method is descriptive-analytical.

**Key words:** Women, Status, Family and social life, Modernization, First Pahlavi rule.

---

1 - Associate Professor at Tabriz University

2 - Ph.D. student of Tabriz University

Email: msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

Email: aleshtar63@gmail.com

## مقدمه

مسئله زنان از دوره قاجار مورد توجه روشنفکران قرار گرفت. بعد از مشروطه این توجه بیش از پیش شد. به تدریج روزنامه‌های زنان ایجاد شد. برخی مدارس دخترانه توسط بخش خصوصی ایجاد شد. مطبوعات بخشی از مطالب خود را به زنان اختصاص دادند و خلاصه نهضتی شکل گرفت که اساس خواسته‌های خود را بر بهبود وضعیت زنان با توجه به آموزش و پرورش آنها قرار داد. مطبوعات که عمده‌ترین رسانه عمومی بودند به ترسیم الگوی یک زن آرمانی می‌پرداختند. باتشکیل حکومت پهلوی و رویکرد نوسازی آن، وضع زنان مورد توجه قرار گرفت. در راستای ساخت ایران مدرن نقش زنان در جامعه و خانواده مورد بازنگری قرار گرفت. سؤال اینجاست که در این مفهوم آرمانی جایگاه زنان در خانواده و اجتماع چگونه تعریف شد؟ به عبارت دیگر، نوسازی چه تغییری در پایگاه و نقش زنان در خانواده و اجتماع ایجاد نمود؟

در مورد زنان در دوره رضاشاه کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. بسیاری از آنها به مطالعه تأثیر اقدام رضاشاه مبنی بر کشف حجاب در مورد زنان پرداخته‌اند. برخی نیز با توجه به آمرانه بودن اقدامات نوسازی در مورد زنان بر جنبه‌های انزواسازی کشف حجاب در مورد زنان مسن تأکید کرده‌اند.<sup>۱</sup>

از جمله تحقیقات جدید کتاب «هدفها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی» از «محمدحسین خسروپناه» است. این کتاب بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و خصوصاً مطبوعات به سیر فعالیت جنبش زنان در ارتباط با حقوق زنان و همچنین مسائل ملی همچون دفاع از مشروطه و موضع‌گیری علیه روس و انگلیس در جنگ جهانی اول پرداخته است. تلاش‌های جنبش زنان برای اصلاح وضعیت زنان در خانواده از طریق تنظیم مناسبات زن و مرد، همچنین فعالیت انجمن‌ها و تشکل‌های زنان، نخستین مدارس دخترانه را به‌عنوان دستاوردهای جنبش زنان تا تشکیل سلسله پهلوی مورد مطالعه قرار داده است.

۱- برای مثال کتاب جنبش حقوق زنان در ایران؛ الیز ساناساریان، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین؛ استفانی کرونین دارای مقالات چندی در باب زنان است، برخی مقالات همچون مطالبات اجتماعی- فرهنگی زنان در دوره مشروطه تا سلطنت رضاشاه؛ حسین آبادیان و زهره صفری، سازمان‌های زنان در ایران عصر پهلوی؛ محمدحسین حافظیان، روندآموزش زنان از آغاز نوگرایی تا پایان عصر رضاشاه سهیلا ترابی فارسانی می‌توان نام برد.

در پژوهش حاضر تلاش شده تأثیر نوسازی دوره پهلوی اول در ایجاد زمینه و بستر مناسب برای توانمندسازی و مشارکت زنان و همچنین ارتقا جایگاه آنان در جامعه با توجه به نظریه کیفیت زندگی مورد مطالعه قرار گیرد. این پژوهش روند اهمیت یافتن زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی و رابطه آن را با نوسازی در دوره پهلوی اول بازبینی نموده است. در واقع لزوم مشارکت زنان در ایجاد یک جامعه مترقی امری انکارناپذیر است. لازمه این امر قبل از هرچیز شامل توانمند شدن زنان از طریق باسواد شدن و اشتغال است. نتیجه دیگر این توانمندی ارتقا جایگاه آنان در خانواده و اجتماع از طریق افزایش قدرت آنان در تأثیرگذاری بر زندگی خود می‌باشد. چارچوب مفهومی بحث حاضر شامل پایگاه و نقش می‌شود. پایگاه (status) موقعیت شخص را در رابطه با کل جامعه نشان می‌دهد و مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف مشخص است. نقش (role) جنبه پویای پایگاه را نشان می‌دهد. هنگامی که فرد حقوق و تکالیف مربوط به پایگاه را رعایت می‌کند نقش خود را ایفا کرده است (کوزر، ۱۳۷۸:۲۹۳). در همه جوامع امور معینی را به عنوان معیار برای نسبت دادن پایگاه در نظر می‌گیرند. ساده‌ترین و عمومی‌ترین این معیارها جنسیت و سن است. تقسیم و انتساب پایگاه‌ها در ارتباط با جنسیت معیاری پایه‌ای در همه نظام‌های اجتماعی است. همه جوامع نگرش‌ها و فعالیت‌های متفاوتی برای زنان و مردان تعیین می‌کنند. بسیاری از آنها می‌کوشند تا با توجه به تفاوت‌های روانشناختی بین جنس‌ها یا با تفاوت نقش آنها در فرزندزایی این توصیه‌ها را توجیه کنند. مطالعات تطبیقی پایگاه‌های منسوب به زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف ظاهراً بیانگر آنست که با وجودی که این عوامل می‌تواند نقطه آغازی برای گسترش تمایز بین آنها باشد اما در واقع این انتساب‌ها را فرهنگ تعیین می‌کند (کوزر، ۱۳۷۸:۲۹۵).

از آنجا که در دوره مورد بحث اصلاحات در وضع زنان متأثر از دیدگاه‌های نخبگان و روشنفکران بود ابتدا به پایگاه زنان از نظر نخبگان جامعه که عموماً شامل روشنفکران می‌شد می‌پردازیم.

### مفهوم نقش زن از نظر روشنفکران

توجه به وضع زنان در جامعه ایرانی به قبل از دوره رضاشاه باز می‌گردد. به عنوان نمونه

افرادی همچون میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی کرمانی از پیش از مشروطه، تقی‌زاده و کسروی از زمان مشروطه به وضع زنان پرداخته‌اند. عشقی، ایرج میرزا، میرزا ابوالقاسم لاهوتی، محمد مسعود، مشفق کاظمی نیز در آثار نظم و نثرشان نگرش انتقادی از وضع زنان را نمودار ساختند. همچنین برخی زنان همچون صدیقه دولت‌آبادی و فخرآفاق پارسا از فعالان مسئله زنان بودند. گرچه در این دوره زنان تجدد طلب بسیار کمتر از مردان بودند ولی آنان نیز تلاش می‌کردند با استفاده از فضای فراهم شده در نتیجه مشروطه دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خود را در جهت اصلاح وضعیت زنان بیان کنند (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۱۸). بنابراین مسئله زنان از همان ابتدا با پیشگامی روشنفکران مرد آغاز شد که نظریات آنها در سیاستگذاری دولت پهلوی اول در مورد زنان مؤثر بود. صرف‌نظر از اشتراک همه این روشنفکران در رفع حجاب، میرزا آقاخان کرمانی و روحی کرمانی یک تفاوت عمده با دیگران دارند و آن اعتقاد به برابری زن و مرد است که البته با برخی احکامی که صادر می‌کنند در تناقض است. در کتاب هشت بهشت ضمن روادانستن تعدد زوجات بر آشنایی و معاشرت پیش از ازدواج تأکید شده که در تاریخ تفکر روشنفکری ایران تا آن زمان بی‌سابقه است: «... قبل از نکاح چنانکه سبقت ذکر یافت باید مرد و زن دوسه سال باهم آمیزش و معاشرت نمایند تا با اخلاق و عادات یکدیگر واقف شده و پای اجبار از طرف پدران و مادران یا بزرگان و روسا درمیان نباشد» (میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، ۱۹۰: ۲۰۰۱). علاوه بر این در جای دیگر از همین کتاب به برابری حقوق زن و مرد تصریح می‌کند و اینکه در همه حقوق شامل یادگیری، تحصیل، حقوق، ارث، مهارت‌ها و تجارت زنان باید با مردان برابر شوند (میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی، ۱۳۲: ۲۰۰۱). اما جدا از این دو که آرای ضد و نقیضی در باب مسئله زنان داشتند، دیگر روشنفکران مواضع نسبتاً عملی را اتخاذ نمودند.<sup>۱</sup>

۱ - میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۳۲۸-۱۲۹۵ ق/۱۸۱۲-۱۸۷۸ م) نیز در آثار خود همچون مکتوبات و ملحقات به انتقاد از وضعیت زنان در جامعه پرداخته است. ناگفته نماند نگرش ضداسلامی وی در آثارش هویداست. وی قائل به تساوی حقوق زن و مرد و یکی از اهداف خود از تغییر القبا را تسهیل سوادآموزی زنان بیان نموده است (آخوندزاده، ۱۳۵۱: ۱۷۷ و آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۲۴۸) همچنین روزنامه اختر (تاریخ شروع انتشار آن دوسال قبل از مرگ آخوندزاده است) که در استانبول در ربع آخر قرن نوزدهم چاپ می‌شد نیز به مسئله زنان می‌پرداخت. این روزنامه نیز در مقالات خود تعلیم و تربیت دختران را به دلیل نقش مادری آنها در آینده مهم می‌دانست (اختر، س دوم، ش ۳۶).

تقی‌زاده در مجله خود «کاوه» مقالاتی در مورد زنان منتشر می‌کرد. وی مسئولیت مهم اجتماعی زن را تولید و پرورش کودک می‌دانست اما طی مقاله‌ای اقدام بزرگ اروپا و آمریکا را اعطا حق رأی به زنان دانسته و مهم‌ترین کار سیاسیون را دنبال کردن آزادی زنان، تعلیم و تربیت، تحصیل حقوق و اختیارات آنها تلقی نمود (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲).<sup>۱</sup>

کسروی نیز در مجله «پیمان» قسمتی را با عنوان «مادران و خواهران ما» به مسئله زنان اختصاص داده بود. در این سلسله مقالات برخی مسائل خانوادگی و اجتماعی زنان همچون حجاب (روگرفتن)، ازدواج، طلاق، وظایف زن در خانه و وظایف طبیعی زن و مرد را مورد بحث قرار داد. وی در این مقالات از حجاب و انزوا، ناآگاهی و بیسوادی زنان، چند زنی و صیغه انتقاد کرده و تک همسری را به‌عنوان سیستم صحیح خانوادگی برای جامعه ایرانی مورد توجه قرار داد. اما در زمینه تحصیل و اشتغال، تنها موافق کسب سواد و آگاهی‌های عمومی است. کسروی مدافع مشاغل همچون پزشکی و مامایی است که زنان با زنان سروکار دارند و معتقد است نیکوست زنان یا در کنار خانه‌داری به این مشاغل بپردازند و یا اینکه همسران و پدران‌شان را در انجام کارهایی مثل کشاورزی، حساب و کتاب و اموری از این قبیل کمک کنند. یک نکته قابل توجه اینکه برخلاف بسیاری از منتقدان این دوره که خانه‌داری را بیکاری و تنبلی زنان تلقی می‌کردند، وی آن را وظیفه طبیعی قابل ستایش زنان می‌داند. کسروی شدیداً با اشتغال زنان در ادارات و به‌زعم وی امور مردانه مخالف بود (کسروی، ۱۳۲۴: ۲۷). همچنین یکی از درون‌مایه‌های آثار ادبی این دوره انتقاد از وضعیت زنان و نقد حجاب زنان است. ابوالقاسم لاهوتی در شعری که در ۱۹۱۸ سرود از روگرفتن و بی‌سوادی زنان انتقاد کرد (لاهوری، ۱۳۵۷: ۲). برخی از نواندیشان ایرانی مانند «معجز شبستری» نیز در آغاز سده بیستم با انتقاد از وضعیت زنان خواستار تغییر وضعیت ایشان برای پیشرفت کشور شدند.<sup>۲</sup> ایرج میرزا نیز در برخی اشعارش زنان ایرانی را به خاطر حجاب بدون اخلاق نکوهش می‌کرد (ایرج میرزا، ۱۳۳۳: ۳۱).

۱ - حسین کاظم‌زاده ایرانشهر نیز در کتاب خود بنام «راه نو در تعلیم و تربیت» نخستین گام در راه اصلاح جامعه را تربیت صحیح دختران و زنان می‌داند چرا که آنان مادران آینده هستند و تربیت نسل آینده را بر عهده دارند (ایرانشهر، ۱۳۰۷: ۹-۱۰/۴).

۲ - برای نمونه در شعر «فیزلار» خواستار بوجود آمدن امکان خواندن و نوشتن برای بانوان و رهایی ایشان از ظلمت جهل و نادانی شده است (معجز شبستری، ۱۳۵۷: ۵۹-۵۸).

محمد مسعود، محمدحجازی (ناشر مجله ایران امروز)، مشفق کاظمی و جهانگیر جلیلی نیز متعلق به مکتبی بودند که در آثار خود به وضعیت زنان در عصر پهلوی اول متأثر از نوسازی و کشف حجاب می‌پرداختند و اوضاع اخلاقی ناشی از تغییرات اجتماعی این دوره را نکوهش می‌کردند (تاریخ ایران پهلوی، ۱۳۸۸: ۴۷۱). محمد مسعود مدیر روزنامه «مرد امروز» در رمان «تفریحات شب» که داستانی انتقادی از جامعه ایران آن زمان است وضعیت زنان و مردان تهیدست و انحطاط اخلاقی آنان، اوضاع نابسامان اقتصادی فرودستان و نظام آموزشی بی‌ثمر را ترسیم کرده است. این کتاب در زمان خود تحسین صاحب‌نظران بسیاری همچون جمال زاده را برانگیخت (مسعود، ۱۳۸۴: ۱۰). مشفق کاظمی نیز در رمان «تهران مخوف» به انتقاد از جامعه و خصوصاً وضعیت زنان و تنزل مرتبه انسانی ایشان در حد یک کالا پرداخت (مشفق کاظمی، ۱۳۹۰: ۶۸). علاوه بر امور پیش گفته یکی از مسائلی که در حوزه زنان مطرح بود و برخی از آن اظهار نگرانی می‌کردند روگردانی مردان تحصیل کرده ایرانی از ازدواج با هم میهنان خود و در عوض اقبال آنها به ازدواج با زنان فرنگی بود. این امر در قانون تازه تدوین نیز انعکاس یافت. موضوع چند شماره مجله ایرانشهر ازدواج مردان ایرانی با زنان فرنگی بود که خوانندگان را به بحث کشاند. بسیاری از مخاطبان علت این امر را بیسوادی زنان ایرانی بیان کردند (ایرانشهر، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۴۹۵).

### نقش زنان از نظر دولت

با سابقه‌ای که مسئله زنان در افکار و آراء روشنفکری و همچنین ادبیات منظوم و منثور داشت و تبدیل به یک خواسته مهم شده بود، حکومت پهلوی بخشی از اصلاحات را در حوزه امور زنان طراحی و اجرا نمود. سؤال اینجاست که در برنامه اصلاحی دولت نقش زنان چگونه تعریف می‌شد؟ قبل از هرچیز در نظر داشته باشیم که نقطه عطف اقدامات اصلاحی این دوره در مورد زنان کشف حجاب است. در واقع کشف حجاب شاخص مهم این دوره نسبت به دوره‌های قبل و بعد است. همچنین برای نخستین بار تشکیل سازمانی در امور زنان به نام «کانون بانوان» نیز بی‌سابقه است.

اساساً حکومت پهلوی مدعی ساخت ایرانی مدرن بر پایه‌های وطن پرستی و پیشرفت

بود که در آن مسئولیت مهمی از سوی دولت بر عهده زنان نهاده شد. وضعیت خانوادگی و اجتماعی آنها تحت‌الشعاع این مسئولیت مهم‌تر قرار گرفت. در واقع در راس همه وظایف خانوادگی و اجتماعی زنان، مسئولیت مهم مشارکت در ساخت ایران مدرن بود. رضاشاه معتقد بود که برای پیشرفت ملی نیاز به کار زنان بود. اما برای دولت مهم‌تر بود که بخش عمومی را به روی زنان باز کند تا تصور ملت مدرن را تقویت کند. زنان به‌عنوان حاملان و پرورش دهندگان کودکان کودکان ملت که شهروندان آینده بودند تعریف شدند (Paidar, 1995: 112). در پی هدف بزرگ ساخت ایران مدرن تقریباً یک بخش ثابت مقالات مطبوعات در مورد زنان بود. کتاب‌های زیادی با محوریت «زن» در این دوره نگاشته شد. کار تئوری سازی نقش زنان در جامعه و زندگی خانوادگی - اجتماعی آنها ابتدا از طریق مطبوعات و بعداً از اواسط دوره (از زمان کشف حجاب) از طریق سخنرانی‌های مقامات دولتی و تأسیس سازمان‌های فرهنگی همچون کانون بانوان و سازمان پرورش افکار دنبال شد. بر اساس بنیاد نظری که ریشه در افکار روشنفکران داشت، نقش زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی تئوریزه شد. مطابق با آن برنامه‌ها و اقدامات در حوزه خانواده و اجتماع طراحی شد. زنان در قلب تلاش برای ساخت یک ملت پویاتر و متحدتر قرار گرفتند. یک ملت مدرن با یک جمعیت سالم‌تر، بهتر آموزش یافته، پربارتر و با یک سیستم خانوادگی که نه فقط افتخار ملی را حفظ می‌کرد بلکه مادرائی بهتر، شریکانی متمدن‌تر و اعضای مسئول در جامعه پرورش می‌داد (Paidar, 1995: 117). زنان در قالب نقشی قرار گرفتند که توسط حکومت برایشان شکل گرفته بود. پیش از هر چیز به تعریف پایگاه و نقش زن (موقعیت زن در جامعه و مجموعه حقوق و تکالیف وی) در گذشته و حال پرداخته شد. ویژگی‌های مربوط به پایگاه زنان در دوره قبل و حال نیز قالب‌ریزی شد. می‌توان گفت کلیدواژه این قالب عموماً در مفهوم زن سنتی و زن مدرن خلاصه می‌شد و از این طریق به تمایز دوره قاجار و پهلوی که نماد کهنه و نو بود نیز اشاره می‌شد. بیسوادی و خرافات گرایی، انزوا و خانه نشینی، بی‌اطلاعی از دنیای خارج و تنبلی نیز معرف زن سنتی بودند. چنین زنی در زندگی فردی و خانوادگی هیچ حق و حقوقی نداشت و تنها برگ برنده وی بهره‌مندی از «حسن جمال و غنچ و دلال» بود که می‌توانست به وسیله آن مدتی محبوب همسرش باشد (خسروپناه،



۱۳۸۱:۷۶). در این گفتمان مرز میان زن مدرن و سنتی حجاب بود. البته در اینکه دقیقاً منظور از حجاب چه بود اختلاف نظر بود، اما تقریباً همگی در کنار گذاشتن چادر و روبند مشترک بودند. تلفیقی از ارزش‌های بومی و خارجی برگرفته از غرب در تعریف زن مدرن و آرمانی به کار گرفته شد. وی دارای تحصیلات بود که در ابتدا این تحصیلات بصورت حرفه‌ای تعریف نمی‌شد و صرفاً شامل سواد خواندن و نوشتن و حداکثر مدرک دیپلم می‌شد. ویژگی‌های زن مدرن نیز عبارت بود از تحصیلات و از اواسط دوره تحصیلات عالی، فاقد حجاب سنتی، همسری وفادار و مادری تحصیل کرده و اهل ورزش. مجله هفتگی ایران باستان در مورد ورزش زنان و ورزشکاران زن مرتب مقالاتی منتشر می‌کرد (نامه ایران باستان، ش یک، اول بهمن ۱۳۱۱).

به موازات نوسازی‌های مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان تحت تأثیر تعریف زن سنتی و مدرن قرار گرفت. قالبی برای نقش زنان شکل گرفته بود که هر زنی با داشتن ویژگی‌های پیش گفته با آن مطابقت می‌یافت. نکته اینجاست که زن مدرن دقیقاً شبیه زن غربی نبود، بلکه چارچوب پیشین برای نقش زن همچنان حفظ شد. زنان را آنقدر توانمند نمی‌دانستند که دوشادوش مردان وارد اموری همچون سیاست یا برخی مشاغل شوند. بهترین و مناسب‌ترین محیط فعالیت زن خانه بود. از سوی دیگر اساساً حمایت از زنان برای فعالیت اقتصادی در جهت کمک به پیشرفت کشور بود و نه استقلال اقتصادی زنان، این امر موجب شده بود تحصیل زنان حداکثر تا دیپلم ترویج شود و تنها از اواسط دوره تحصیلات عالی برای زنان در مطبوعات مورد بحث قرار گرفت. از نیمه تیر تا ابتدای مهر ۱۳۱۳ «اطلاعات»، روزنامه رایج ایران، ۴۱ نامه از خوانندگان را در بخشی با عنوان «معمای ازدواج: تحصیلات عالی» منتشر نمود که نظرات آنها در مورد تحصیلات عالی زنان بود. برخی معتقد بودند که این امر موجب روگردانی زنان از ازدواج و تعهد به خانواده و همسر می‌شود و از آنجا که افزایش نفوس در این برهه مهم است تحصیلات عالی فعلاً ضرورت ندارد، ضمن اینکه توان زنان برای انجام مسئولیت‌های شغلی همزمان با تعهدات خانوادگی مورد تردید جدی بود (اطلاعات ش ۲۲۸۸، س هشتم، ۱۳۱۳). چالش برانگیزترین بحث مربوط به مداخله زنان در امور سیاسی بود که شدیداً مورد مخالفت قرار گرفت. تفاوت زن و مرد نقطه

عطف استدلال آنها در توجیه عدم مشارکت زنان در امور سیاسی بود. با این وجود برخی مطبوعات مطالبی مستقیم و غیرمستقیم در این مورد می‌نگاشتند. برای مثال مجله هفتگی «نامه ایران باستان» مطالبی با این مضمون که خانمی برای پست سفارت آمریکا در دانمارک نامزد شده است، منتشر نمود (نامه ایران باستان، ش ۵، اسفند ۱۳۱۱). این در حالی بود که زنان پیش از این در حمایت از مشروطه و دستاوردهای آن کوشیده بودند (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۵۹-۴۹).

حال با توجه به این زمینه نظری آیا پایگاه زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی با تغییر مواجه شد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان به مطالعه پایگاه زنان در دو فاکتور مهم زندگی خانوادگی یعنی ازدواج و خانواده و همچنین تحصیل و اشتغال برای زندگی اجتماعی پرداخت.

اقدام مهم دولت در زمینه تنظیم امور خانواده و ازدواج، تصویب قانون ازدواج ۱۳۱۰ بود. برخی مواد این قانون پیشتر در قالب قانون مدنی تصویب شده بود. با این قانون احتمالاً کاهشی در چند زنی و ازدواج موقت روی داد (Paidar, 1995: 87). پیش از پرداختن به این قانون به نقل بخشی از خاطرات «مهرانگیز دولتشاهی» برای درک بهتر نحوه رفتار با دختران و زنان در خانواده می‌پردازیم. وی از تعجب دیگران با مشاهده نشستن و خندیدن دختران در مقابل پدرشان یاد می‌کند گویی که رفتاری گستاخانه است (دولتشاهی، نوار شماره یک، ص ۲۰).

حال به مطالعه مواد قانون ازدواج می‌پردازیم. از مجموع ۲۰ ماده، ده ماده، بیشتر با منافع زنان همخوانی داشت. ماده یک این قانون مربوط به ثبت ازدواج و طلاق در دفاتر رسمی بود. ماده سوم این قانون در مورد تعیین حداقل سن ازدواج ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران است. این قانون در پیشگیری از تزویج دختران در سن کودکی بود که تهدیدگر سلامتی آنها بود (عموماً از طریق بارداری‌های زودهنگام). طبق ماده پنجم «هر یک از زن و شوهری که قبل از عقد طرف خود را فریبی داده که بدون آن فریب مزاجت صورت نمی‌گرفت به شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد». طبق ماده ششم «هر

مردی مکلف است در موقع ازدواج به زن و عاقد صریحاً اطلاع دهد که زن دیگر دارد یا نه این نکته در قباله مزاجت قید می‌شود. مردی که در موقع ازدواج برخلاف واقع خود را بی‌زن قلمداد کرده و از این حیث زن را فریب دهد به مجازات فوق محکوم خواهد گردید». مطابق ماده ۱۰ «زن می‌تواند در مورد استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند- در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد». طبق ماده ۱۴ «زن می‌تواند در دارایی خود بدون اجازه شوهر هر تصرفی را که می‌خواهد بکند»، بدین طریق حق مالکیت برای زن محفوظ بود.

یکی از مشکلات زنان در زندگی خانوادگی خشونت علیه زنان بود. مقالات زیادی در مجلات حکایت شکوه زنان از خشونت مردان بود (عالم نسوان، ش ششم، س هفتم، ۱۳۰۶). پنج ماده از قانون ازدواج به نوعی در پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان مؤثر بود که به آنها می‌پردازیم. اول، ماده سوم که پیشتر گفته شد. ماده چهارم این قانون طرفین را مجاز می‌دانست شروطی ضمن عقد بنمایند مثلاً زن می‌توانست شرط کند که هرگاه شوهر در مدت معینی غایب شده یا ترک انفاق نموده یا بر علیه حیات زن سوء قصد کرده یا سوء رفتاری نماید که زندگانی زناشویی غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم قطعی خود را به طلاق باین مطلقه سازد. نگرشی که در برخی از سطوح جامعه شایع بود این بود که مرد زن را مایملک خود تلقی کرده و بنابراین خود را مجاز به هرگونه رفتاری با همسر می‌دانست (روزن، ۱۳۶۹:۱۴۴). بنابراین این ماده می‌توانست در تغییر این نوع نگرش و همچنین پیشگیری از اقدام به آن مؤثر باشد. ماده پنجم و دهم نیز که پیشتر ذکر شد. طبق ماده ۸ نیز، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر بودند. ماده ۱۲ نیز در همین جهت بود: «در مواردی که زن ثابت کند ترک منزل به سبب خوف ضرر بدنی یا مالی است که عادتاً نمی‌توان تحمل کرد و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل نخواهد داد و مادام که زن در بازنگشتن به منزل معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود». ماده ۱۱ نیز تعیین منزل را در اختیار شوهر قرار داده بود مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد. به نوعی این ماده نیز پیشنهاد می‌کند که زن هم می‌تواند این حق را برای خود

ضمن شروط عقد قائل شود که با توجه به وضعیت اجتماعی آن زمان مترقیانه است.

توجه به پایگاه زنان در خانواده و فرهنگ سازی در این زمینه از طریق مقالات متعددی در مطبوعات با عناوین مختلف همچون شیوه همسرمداری و یا انتظارات زن و مرد از همدیگر مورد بحث قرار می‌گرفت. یک تحول عمده ترویج تک زنی و شیوه رفتار مناسب با همسر بود. در این مقالات خانواده تک همسری پیش‌فرض بوده و نگرش همسر به عنوان شریک زندگی مرد ترویج می‌شد. از مردان خواسته می‌شد با احترام، محبت و همدلی با همسران خود رفتار نمایند (اطلاعات ش ۴۱۵۶، س ۱۴، ۱۳۱۹). در اواخر دوره، روزنامه اطلاعات در چند شماره مسئله تعدد زوجات را با عنوان «در پشت کوه قاف: تعدد زوجات» مورد بحث قرار داده و آن را تقییح نمود (اطلاعات، ش ۴۴۰۲، س ۱۵، ۱۳۱۹). یک نکته قابل توجه، تأکید عمده بر نقش زنان به‌عنوان مادر و همسری خانه‌دار بود. این دید در مورد پایگاه زنان چیز جدیدی نبود. کمالینکه رضاشاه در سخنرانی خود در نطق روز ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ خدمت مهم زنان به وطن را تربیت نسل آینده اظهار نمود (اطلاعات، ش ۲۶۸۲، س دهم، ۱۳۱۴). «اشرف پهلوی» در خاطراتش می‌نویسد که وقتی از پدرش خواست اجازه دهد در سوئیس بماند و در کنار برادرش تحصیل کند رضاشاه گفت: «دست ازین مزخرفات بردار و بلافاصله به ایران برگرد» (پهلوی، ۱۳۷۷: ۳۵). اساساً اتخاذ دیدگاه‌های مبنی بر اعطا امکان تحصیل به زنان در جهت ایجاد همسر و مادری بهتر توجیه می‌شد. یک سال قبل از کشف حجاب یعنی در ۱۳۱۳ مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات با عنوان «تقاضای شغل معلمی» آمده بود که عده زیادی از خانم‌های تحصیل کرده درخواست استخدام تقدیم وزارت معارف کرده و با توجه به محدودیت مدارس با پاسخ منفی مواجه شده‌اند. این مقاله نوشت که اساساً هدف از تحصیل زنان تنها کسب معرفت و دانش برای زندگی خانوادگی و خانه‌داری است و نه استخدام و اشتغال، در پایان اضافه نمود اساساً فکر اشتغال لطمه بزرگی بر زندگی زناشویی و خانوادگی است و ایران نیاز مبرمی به ایجاد خانواده و پرورش نسل جدید مفید دارد (اطلاعات ش ۲۲۷۴ س نهم، ۱۳۱۳).

تبلیغات بیداری زنان زن حرفه‌ای را در آغوش می‌کشید درحالی که هنوز در پی یادآوری وظایف نهایی وی به عنوان مادر و همسر بود (Amin, 2002: 170). از این زمان بود که

مادر و مام وطن بصورت منفک و با هم بسیار مقدس شدند. با مدیریت خانه و پرورش فرزندانی وطن پرست وظایف خانگی زنان به وظایفی ملی ارتقا یافت. با بوجود آمدن این خانه جدید برای مدیریت، آنها می توانستند ادعا کنند که دیگر نه خانه ازدواجی شان بلکه خانه ملی را مدیریت می کنند. از سوی دیگر برنامه رضاشاه مبنی بر تبدیل شهروند به نوکر دولت موجب شد تا امکانی برای زنان فراهم شود تا این دام را که اکنون زندگی خانگی نام داشت بشکنند و به نام خدمت به دولت حق شان را در زمینه تحصیلات عالی و اشتغال مطالبه کنند، با مادری ملت اکنون می توانستند به دولت خدمت کنند (Najmabadi, 2005: 206).

در زمینه پایگاه اجتماعی زنان با توجه به دو عامل مهم تحصیل و اشتغال به مطالعه مشارکت اجتماعی زنان می پردازیم. البته فعالیت های اجتماعی مختلف نیز می تواند در این مطالعه مؤثر باشد. ناگفته نماند یکی از شیوه های حکومت پهلوی (خصوصاً بعد از کشف حجاب) در ترویج مشارکت زنان، ایراد خطابه در اثبات توانایی زنان برای مشارکت اجتماعی بود. مثلاً کانون بانوان مجلس مناظره ای توسط دو دانش آموز پسر و دختر دانشسرا در موضوع توانایی زن یا عدم آن در مشارکت اجتماعی به راه انداخت که نتیجه نیز اثبات توانایی زنان بود (اطلاعات، ش ۲۷۳۹، س دهم، ۱۳۱۵).

**تحصیلات:** توانمند شدن زنان از طریق باسواد شدن و ایجاد فرصت های اشتغال برای آنها، میسر می شود (سن، ۱۳۸۵: ۳۶۰). یکی از خواسته های اساسی اصلاح طلبان دوره رضاشاه آموزش و پرورش عمومی بود. یکی از سیاحان در این مورد می نویسد: «شاید واقعیت داشته باشد که مذهب زنده ایرانیان را در حال حاضر آموزش و پرورش تشکیل می دهد» (هاکس، ۱۹۷۰: ۱۳۶۸). گرچه نهایتاً بودجه مختص این امر در ابتدای دوره دو درصد و در پایان دوره پنج درصد بود (Arjomand, 1988: 68). در نظر داشته باشیم که تا اواخر دوره قاجار اساساً تحصیل را مناسب دختران و زنان نمی دانستند. نکته دیگر اینکه افکار عمومی بدینی هایی نسبت به آموزش و پرورش زنان داشت که باعث می شد تا نخستین مدارس دخترانه که خصوصی بودند به گونه ای نامگذاری شوند که اعتماد عموم نسبت به آنها جلب شود (ناموس، عفتیه و مواردی از این قبیل). همچنین بانوانی که برای تدریس در

مدارس دخترانه منصوب می‌شدند باید توسط «معروفین محل» از نظر اخلاقی تأیید می‌شدند و برگه تأیید اخلاقی از سوی معرف خود ارائه می‌نمودند (اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

از آنجا که هدف از آموزش و پرورش زنان تعلیم خانه‌داری و پرورش فرزند بود، تصورات جنسیتی بر تصمیم دولت برای استاندارد کردن برنامه درسی مدارس تأثیر نهاد و موجب شد تا به ساده کردن برنامه درسی مدارس دخترانه از طریق قرار دادن طراحی و خیاطی بپردازد (Matthee, 1993: 316). آن گونه که از اسناد مربوط به مدارس بر می‌آید آموزش صنایع دستی در مدارس یکی از دلایل استقبال خانواده‌ها از مدارس دخترانه بود (اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، ۱۳۷۸: ۸۰).

در ابتدا حضور دختران در مدرسه با سختی همراه بود. مثلاً نمی‌توانستند تنها رفت و آمد کنند و باید در راه مدرسه اسکورت می‌شدند، از این رو بسیاری از زنان بیسواد بودند (دولت‌شاهی، نوار شماره ۱، ص ۱۴).

بنابر آنچه گفته شد جنبش زنان نیز از ابتدا مهم‌ترین خواسته خود را آموزش و پرورش زنان قرار داد. در واقع تنها حوزه‌ای که جنبش زنان به صراحت ادعای برابری نمود تحصیل بود. مجله «جهان زنان» در طلوع خود هدف از تأسیس مجله را ترویج تعلیم و تربیت زنان به موجب «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» اظهار نمود (خسروپناه، ۱۳۸۱: ۲۹۲).

از آنجا که حکومت رضاشاه نیز در جهت نوسازی به وضع زنان توجه کرد، ایجاد و گسترش مدارس دخترانه را وجهه همت قرار داد. حکومت هم برای ایجاد نسلی وطن‌پرست و هم در جهت ارائه تصویری مترقی از ایران تسهیل تحصیل برای زنان را مورد توجه قرار داد. مقالات مطبوعات به ترویج اهمیت نقش زنان تحصیل کرده در تربیت فرزند پرداختند. در نتیجه این توجه در ۱۳۰۹ در کل کشور ۷۳ مدرسه دولتی و ۱۴۵ مدرسه خصوصی دخترانه وجود داشت. در همین سال در مجموع ۱۶۳۲۸ دختر فارغ التحصیل شده و ۹۷۳۲ دختر در مکتبخانه‌ها در حال یادگیری خواندن و نوشتن بودند. از این تعداد ۸۸۳۰ نفر از

تهران بودند (Boyce, 1930: 268). بین سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۲۳، درصد دانش‌آموزان دختر به کل دانش‌آموزان از ۱۶/۹ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافت. همچنین در سال تحصیلی ۱۳۱۷-۱۳۱۶ در رشته داروسازی چهارزن، ده زن در رشته دندانپزشکی و در سال ۱۳۲۱-۱۳۲۰ تعداد ۸۹ زن وارد رشته پزشکی دانشگاه تهران شدند (سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۶ و ۱۳۱۷-۱۳۱۶، ۱۳۱۷: ۲۷۳-۲۷۲ به نقل از (Amin, 2002: 158). آمار و ارقام حاکی از افزایش تحصیل در میان زنان دارد. اما همچنان هدف پرورش زنان که در برنامه مدارس انعکاس می‌یافت بیانگر واقعیت دیگری نیز بود. بر این اساس تا ۱۳۱۹ بیش از ۱۷۰ ساعت آموزش در برنامه تحصیلی پنج سال دوم مدرسه دختران، مختص آداب معاشرت اجتماعی، ۴ ساعت بچه‌داری، ۲ ساعت پرستاری، ۱۳ ساعت خیاطی، ۹ ساعت صنایع دستی، ۵ ساعت طراحی، ۶ ساعت خانه‌داری و ۸ ساعت آشپزی بود. خلاصه حدود یک‌سوم برنامه مدرسه اختصاص داشت به آماده کردن آنها برای اینکه همسر و مادری خانه‌دار و مهماندار باشند (سالنامه و آمار ۱۳۲۲-۱۳۲۳ و ۱۳۲۶-۱۳۲۷، ۱۳۲۷: ۳۵۱ و ۳۳۳ به نقل از (Amin, 2002: 147). در واقع مفهوم برابری فرصت‌های آموزشی چندان مورد توجه نبود و الگوی آموزشی دختران جنسیتی بود. یکی از معاصران این دوره در خاطراتش یاد می‌کند که ریاضی پایه ۱۱ دختران برابر ریاضی پایه نهم پسران بود (دولت‌شاهی، نوار ش یک، ۲۳). با این وضع به نوعی به دختران القا می‌شد که در این درس ناتوان تر و یا حتی بی‌استعدادتر از پسران هستند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۸۰). حتی در برنامه دانشسرای دختران که هدفش تربیت آموزگار بود حفظ‌الصحه، کارهای دستی و خیاطی نیز بود (سالنامه وزارت فرهنگ و معارف ۱۳۱۵-۱۳۱۴، ۱۳۱۶: ۱۲۶). بنابراین حتی در سطوح بالاتر تحصیل نیز نگرش جنسیتی حاکم بود و این امر در حفظ نقش قالبی پیشین زنان مؤثر بود. بر این اساس است که در ۱۳۱۷ هنرستان دخترانه سه ساله برای تعلیم خانه‌داری، خیاطی، آشپزی، شیرینی‌پزی، ابریشم‌دوزی و کارهای بهداشتی تأسیس شد (اطلاعات، ش ۴۲۱۲، س ۱۵، ۱۳۱۹). همچنین در سال ۱۳۱۹ در ششمین دوره نمایشگاه کالای ایران «غرفه هنرستان دختران» صنایع دستی ساخت دختران این هنرستان را به نمایش گذاشت (اطلاعات، ش ۴۱۷۳، س ۱۴، ۱۳۱۹). یکی از اقدامات تبلیغی در بیان فواید مشارکت زنان به نمایش گذاشتن صنایع

دستی دختران دانش‌آموز به مناسبت‌های مختلف بود. آموزش صنایع دستی به دختران نیز در جهت ترویج آنها به کارهایی بود که در خانه قادر به انجام آن باشند.

**اشتغال:** از نظر اقتصاد سیاسی توسعه لزوم به رسمیت شناختن مشارکت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان بسیار مهم است (سن، ۱۳۸۵:۳۳۶). در این دوره مشارکت سیاسی زنان به رسمیت شناخته نشد، اما همزمان چند عامل موجب اشتغال زنان و مشارکت آنان در امور اجتماعی شد. نوسازی، افزایش شهرنشینی، کشف حجاب و رویکرد حکومت در زمینه وارد کردن زنان به عرصه اجتماع از جمله عوامل این امر هستند. از ابتدای جنبش بیداری زنان، متفکران نواندیش حدود مشارکت زنان را مشخص کردند و با وجود بهره‌گیری از الگوی زن غربی، اساس را بر وظیفه طبیعی زن یعنی مادر خانه‌دار نهادند. کسروی از جمله این افراد بود که نوشت زنان باید از وضع امور آگاه باشند اما وزیر و نماینده شدن مناسب طبیعت زنان نیست (کسروی، ۱۳۲۴:۱۳). درحالی که یک نتیجه مهم اشتغال زنان افزایش اعتماد به نفس آنها در نتیجه استقلال اقتصادی است تا بتوانند در زندگی خانوادگی خود بهتر اثرگذار باشند. به عبارت دیگر همبستگی نزدیکی بین مشارکت فعال زنان و بهبود کیفیت زندگی آنان وجود دارد (سن، ۱۳۸۵:۳۵۲). به تدریج همراه با سیاست‌های دولت در جهت توجه به وضع زنان و بهبود آموزش و پرورش، اشتغال نیز مورد توجه فعالان زنان قرار گرفت<sup>۱</sup>، اما این امر با تناقضات و مشکلات مختلفی همراه بود. تصورات قالبی در مورد زنان همچنان وجود داشت. یکی از زنان معاصر در خاطراتش می‌نویسد علت انتخاب شغل مامایی این بود که در آن زمان هیچ مردی به دکتر زن نمی‌رفت، ضمن آنکه عکس آن نیز صادق بود (Pakravan, tape 1. p1). این امر حاکی از بدبینی و تردید جامعه نسبت به توانایی‌های زنان نیز می‌باشد. علاوه بر آن، زنان از مشاغل سیاسی منع شدند. همچنین با یک نگاه جنسیتی تنها مشاغل خاصی مناسب زنان معرفی می‌شد. این امر ناشی از این دیدگاه بود که باید زنان حتی با وجود ورود به اجتماع از مردان دور نگه داشته شوند که این خود موجب انزوای زنان در مشاغل مختص محیط‌های زنانه می‌شد. از نتایج آن فقدان آمادگی زنان

۱- برای مثال پیک سعادت نسوان در اولین شماره خودسودمندی تحصیل زنان را منوط به گسترش مشارکت زنان در امور اقتصادی کشور دانست و از محدود شدن نقش زنان به خانه‌داری انتقاد نمود (پیک سعادت نسوان، ش اول، سال اول، آبان ۱۳۰۶).



برای اثبات حقوق خود در مقابل تعدیات ممکن در زندگی آنهاست. بدین صورت که با عادت به رفتار در جمع زنان، در صورت نیاز به حضور در مجامع عمومی و مردانه و دفاع از حق خود، نمی‌توانند با اعتماد به نفس کامل و آمادگی که ناشی از تجربه مکرر حضور در این مجامع است عمل کنند. این امر را می‌توان نوعی کوشش در جهت جدایی اجتماعی دانست (کوزر، ۱۳۷۸: ۳۰۸). بدین صورت که برای کم کردن بار این موقعیت غیرمنتظره (اشتغال زن در خارج از خانه) زنان را فقط در موقعیت‌هایی همچون معلمی به کار می‌گرفت تا فقط با زنان سروکار داشته باشند و نه با عموم.

«هاجر تربیت» رئیس کانون بانوان در سخنرانی خود برای بانوان تایپ، کتابداری، خیاطی، هنردستی، پرستاری، داروسازی، دندانپزشکی و پزشکی را به‌عنوان مشاغل مناسب زنان معرفی کرد که عموماً مختص محیط‌های زنانه و در ارتباط با زنان بودند (اطلاعات، ش ۲۶۳۰، س دهم، ۱۳۱۴). یکی از دلایل این امر ناشی از بدگمانی‌های قدیمی جامعه در مورد پتانسیل زنان برای ضعف اخلاقی و ایجاد شرارت است (Amin, 2002: 166). یک موضوع مشترک مقالات و سخنرانی‌های این دوره موعظه در باب حفظ عفت و نجابت است که ریشه در نگرش شرزایی زنان و بدبینی نسبت به آنها دارد (ایران‌شهر، ۱۳۶۳: ۳۷۰/۱). نکته دیگر اینکه اساساً در جامعه آن زمان زنان خارجی را به‌عنوان معلم و پزشک و مواردی از این قبیل می‌شناختند. بنابراین ترویج زن حرفه‌ای برابر همسانی هرچه بیشتر با زن خارجی و در نتیجه بیگانگی آن با جامعه ایرانی بود (Amin, 2002: 178). همچنین یک علت ترویج مشاغلی همچون پرستاری اینست که تیمارداری را نهفته در طبیعت زنان می‌دانستند (آبوت و والاس، ۱۳۹۳: ۲۶۵). ناگفته نماند که برخی مشاغل به دلیل زنانه بودن و نیاز مبرم جامعه بدانها از همان ابتدا با استقبال روبرو شدند. همچنین پرستاری، مامایی، معلمی که مشاغل دولتی محسوب می‌شدند و آرایشگری و خیاطی که مشاغل آزاد بودند، در میان زنان رواج بسیار یافتند. یکی از رایج‌ترین مشاغل دولتی زنانه، معلمی بود که با تأسیس مدارس دخترانه توسط بخش خصوصی همراه شد. بی‌شک دولت نیز توسعه فرصت‌های استخدام برای معلمان زن را تسهیل نمود. در سال ۱۳۱۵-۱۳۱۴ در ایران ۳۶۸۸ معلم زن وجود داشت (سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۴: ۱۳۴۵: ۸۵). در سال ۱۳۱۵ زنان ۳۱/۴ درصد نیروی کار

آموزش را تشکیل می‌دادند (Amin, 2002: 158). تأسیس دانشسراهای تربیت معلم دخترانه موجب افزایش تعداد زنان در بخش آموزش شد. در شهریورماه ۱۳۱۸ اداره دانشسراها تأسیس شد. در اجرای قانون پرورش معلم در سال ۱۳۱۸ دانشسرای پسران و دختران گرگان، دانشسرای دختران قزوین، دانشسرای دختران کرمانشاهان، دانشسرای دختران یزد و دانشسرای دختران بیرجند تأسیس شد و در این سال جمعاً سی باب دانشسرای مقدماتی در کشور موجود بود (سالنامه و آمار ۱۳۱۷-۱۳۱۸ و ۱۳۱۸-۱۳۱۹، ۱۳۱۹: ۲). با این وجود معلمان زن نصف معلمان مرد حقوق دریافت می‌کردند (Paidar, 1995: 109). معلمی یکی از پر اقبال‌ترین مشاغل بود که زنان با طیب خاطر بدان روی آور شدند. نکته دیگر رشد مشاغل آزاد یعنی آرایشگری، خیاطی و معلمی در مدارس خصوصی بود. یک نتیجه این امر افزایش خیاطان زن است (Honarbin Holliday, 2010: 18).<sup>۱</sup> همچنین رشد سالن‌های زیبایی و آرایشگران زن نیز چشمگیر بود، به طوری که یک بخش ثابت آگهی‌های روزنامه اطلاعات مربوط به سالن‌های زیبایی می‌شد.<sup>۲</sup> اما، یک استثنا مربوط به ادارات دولتی است. در ابتدا استخدام زنان به‌عنوان کارمند دفتری در ادارات رایج نبود. در سال ۱۳۱۱ دو زن تصمیم گرفتند استخدام زنان در ادارات دولتی را پیش بکشند و درخواست‌هایی برای پست‌های دفتری که در وزارت اقتصاد باز شده بود ارائه کردند، اما با این استدلال که استخدام زنان در زمان حاضر به مصلحت نیست، مواجه شدند. این درحالی بود که قبلاً یک زن بنام «زهره حیدری» با ملیت روسی در وزارت مالیه به عنوان تالیپست کار می‌کرد (Amin, 2002: 169-170). چهار سال بعد روزنامه اطلاعات عکسی از کارکنان شعبه صنایع و ارزاق شرکت کالا در نمایشگاه کالای ایران منتشر نمود. این کارکنان همگی زن بودند (اطلاعات، ش ۲۷۵۷، س دهم، ۱۳۱۵).

نکته دیگر اینکه تنها کسانی از سیاست‌های استخدامی دولت در مورد زنان بهره‌مند

۱ - با کشف حجاب نیاز شدیدی به برخی مشاغل زنانه احساس می‌شد. در بجنوبه کشف حجاب والی ایالت فارس طی نامه‌ای به وزارت داخله اظهار نمود که تا زمانی که خیاط، کلاه‌دوز و سلمانی زنانه در شیراز به وفور نباشد نمی‌توان انتظار پیشرفت کشف حجاب داشت و ابتدا باید این مقدمات را در شهر فراهم نمود (خشونت و فرهنگ، ۲۰۸: ۱۳۷۱).

۲ - اطلاعات، ش ۴۰۲۴، س ۱۳۱۸/۱۴، اطلاعات، ش ۳۴۲۲، س ۱۲، ۱۳۱۷، همچنین مقالات زیبایی برای مثال رک: اطلاعات، ش ۴۰۸۶، س ۱۳۱۸.

شدند که متعلق به گروه‌های فرادست بودند. چرا که در آن زمان تنها زنان فرادست از امکانات تحصیل برخوردار بوده و توانستند از فرصت‌های ایجاد شده بهره‌مند شوند. همچنین در حالی که دولت بسیار علاقمند به استخدام زنان در مشاغل پیش گفته همچون معلمی و پرستاری بود، کمپانی‌های خارجی اولین استخدام کنندگان زنان به‌عنوان منشی و تایپیست بودند (Paidar, 1995: 109). در سال ۱۳۱۹ «شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس» آگهی استخدام زنان جوان با دانش پایه نهم برای کار در بیمارستان خوزستان منتشر نمود (اطلاعات، ش ۴۱۹۹، س ۱۳۱۹، ۱۴). «صدیقه دولت‌شاهی» از نخستین زنان ایرانی است که در بخش ترجمه شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان به‌عنوان تایپیست کار می‌کرد (Amin, 2002: 174). این حرفه نیز از مشاغلی است که در میان زنان ایرانی رواج یافت و مراکز آموزش این فن نیز تأسیس شد. برای مثال «کانون ماشین‌نویسی ایران‌شهر» یکی از این مراکز بود (اطلاعات، ش ۲۷۵۶، س دهم، ۱۳۱۵). عکسی در مجله «نامه بانوان» یکی از بنگاه‌های ماشین‌نویسی را نشان می‌داد که عده زیادی از بانوان مشغول تایپ بودند. این مقاله، تایپ را یک شغل زنانه در سراسر دنیا معرفی کرده و از مردان خواست تا وارد این حوزه نشوند و آن را به زنان واگذارند (نامه بانوان، ش پنجم، س سوم، ۱۳۱۹).

زنان فرودست شهری نیز در حرفه‌هایی همچون دوزندگی، ریسندگی، بافندگی، خدمتکاری در خانه‌ها، دایگی (پرستاری از بچه)، قابلگی، مامایی، درمانگری، واعظی، واسطگی برای ازدواج، فروشندگی، کارگری در حمام‌های عمومی (دلاکی)، مرده‌شویی، آوازه خوانی، رقاصی و نوازندگی کار می‌کردند که نیازمند تحصیلات نبودند، فعالیت می‌کردند (کرونین، ۱۳۸۳: ۲۴۵). «پیک سعادت نسوان» در شعری برخی مشاغل پیش گفته را تنها گزینه‌های پیش‌رو برای زنان تهیدست بیان نمود (پیک سعادت نسوان، ش ۴-۵، س اول، اردیبهشت تیر ۱۳۰۷). روسپی‌گری و صیغه روی از دیگر مشاغل بود که در آثار شعرا و نویسندگان این دوره همچون ایرج میرزا، صادق هدایت و محمد مسعود نیز انعکاس یافته بود. مجله «پیک سعادت نسوان» در شعری با عنوان عاقبت صیغه‌روی، ضمن مسئول شمردن جامعه آن را یکی از راه‌های امرار معاش زنانی می‌داند که کاری برایشان وجود ندارد و در پی این راه دچار امراض مهلکی همچون سوزاک شده و عواقب آن دامنگیر این زنان

می‌شود (پیک سعادت نسوان، ش ۴-۵، س اول، اردیبهشت تیر ۱۳۰۷).

مطبوعات در ترویج مشاغل برای زنان نگاهی طبقاتی داشتند. کار زنان تهیدست در کارگاه‌های نساجی و قالی‌بافی با این استدلال که مایه پیشرفت صنعت کشور و درمان آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و تنگدستی است توجیه و ترویج می‌شد. «صدیقه دولت آبادی» فعال امور زنان، از اجباری کردن تحصیل عمومی برای دختران حمایت می‌کرد و اینکه دختران با یادگیری خواندن و نوشتن به مدارس فنی رفته و صنایع دستی نظیر جوراب بافی را بیاموزند (کرونین، ۱۳۸۳: ۲۴۹).

مشارکت زنان به‌عنوان نیروی انسانی در قانون کار دولت انعکاس نیافت. قانون کار استخدام زنان و کودکان در کارخانه‌ها را تنظیم نکرد. حتی نیازهای خاص زنان و مادران باردار را مورد توجه قرار نداد. بچه‌های کوچک که اغلب زیر ده سال بودند در کارخانه‌های فرش و پارچه کار می‌کردند و عموماً با آنها به‌طور خاص رفتار نمی‌شد. دولت به سادگی امیدوار بود که با اجرای مؤثرتر آموزش و پرورش اجباری کار کودکان کاهش یابد (Elwell, 2011: 127). این امر گواهی بر عدم توجه جدی و زیربنایی به مشارکت اقتصادی زنان است. گرچه نمی‌توان انکار کرد که برخی زنان به مناصبی بی‌سابقه دست یافتند که نمودار چشم‌اندازی نو در موقعیت آنها بود. این وضعیت بیانگر آن بود که وضعیت جدید پتانسیل ارتقای زنان در موقعیت‌های شغلی با پرستیژ را دارا بود. ضمن اینکه همزمان دلالت بر این بود که دولت مشاغلی را برای زنان بیشتر می‌پسندد که در انظار عموم بسیار ارزشمند و با وجه است. «اطلاعات» در صفحه اول خود عکس «خدیدجه کشاورز» اولین دکترای زن حقوق را چاپ نمود و وی را الگوی زنان ایرانی قرار داد (اطلاعات، ش ۲۷۵۹، س دهم، ۱۳۱۵).

تأسیس کانون بانوان در این دوره فرصتی برای حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی عمومی فراهم نمود. این کانون با برگزاری کلاس‌های مختلف سوادآموزی، هنر، خیاطی و برش، کلوب ورزش امکان فعالیت زنان را در این عرصه‌ها فراهم ساخت (زبان زنان، ش اول، س ۲۳، ۱۳۲۱).

اگرچه تأسیس کانون بیانگر پایان عصر فعالیت‌های مستقل زنان بود با این وجود امنیت مورد نیاز را برای جنبش آزادی زنان فراهم نمود. جنبش از نظر مالی تأمین شد، در مقابل خشونت متعصبان حفاظت و توسط قدرتمندان مورد حمایت قرار گرفت. کانون اولین سازمان دولتی را برای فعالیت‌های زنان فراهم کرد و در واقع بسیاری انتخاب کردند که فعالیت‌هایشان را در این چارچوب ادامه دهند. در عین حال این امر مانع استقلال جنبش زنان شده و فعالان این عرصه را به مبلغان سیاست حکومت پهلوی در امور زنان تبدیل نمود (Paidar, 1995: 105). ضمن اینکه موجب تعدیل جنبش و شاید بتوان گفت انحراف آن از خواسته‌های اصولی همچون حق رای شد.

یک جنبه مهم مشارکت اجتماعی زنان، امور سیاسی است که با حربه تفاوت زن و مرد از آن محروم شدند. مقالات زیادی با عنوان تفاوت زن و مرد در مطبوعات نوشته می‌شد. روزنامه «اطلاعات» طی یکی از مقالات خود با استناد به مطالعات اخیراً انجام شده نتیجه گرفت که وظایف زن منحصر به خانه و وظایف مرد بیرون از خانه است، چرا که احساسات در زن شدید و قوه عقل در مرد قوی‌تر است (اطلاعات، ش ۲۳۷۴، س نهم، ۱۳۱۳). مقاله‌ای در اطلاعات با عنوان «سوس اخلاق» زانی را که در پی برابری با مردان هستند با زنان متجدد تحصیل کرده‌ای که فاسد، اهل قمار، مشروب و سیگار هستند یکی دانسته و آنان را سوس اجتماع خواند (اطلاعات، ش ۲۳۷۳، س نهم، ۱۳۱۳). یک تصور دیگر نیز مبنی بر این بود که زنان برای دستیابی به موقعیت همپای مردان خصوصاً در زمینه اشتغال باید صلاحیت و شایستگی خود را به اثبات برسانند. در حالی که مردان به‌طور پیش فرض دارای این صلاحیت بودند. «روزنامه ایرانشهر» طی مقاله‌ای در سال ۱۳۰۳ استدلال نمود که زنان، زمانی به جایگاهی همتای مردان در جامعه می‌رسند که تلاش کنند معاش خود را بر عهده گیرند و استقلال اقتصادی می‌تواند موجب برابری با مردان شود (ایرانشهر، ۱۳۶۳: ج ۶۵۷/۲).

این امر خصوصاً در زمینه حق رأی و انتخاب شدن و انتخاب کردن به صراحت بیان می‌شد. روزنامه اطلاعات با درج خبر اعطا حق رأی به زنان در ترکیه با نقل نطق «عصمت پاشا» رئیس‌الوزرای ترکیه یکی از دلایل اعطا این حق را شرکت و مساعدت زنان ترک در

جنگ بیان نمود (اطلاعات، ش ۲۳۷۲، س نهم، ۱۳۱۳). علاوه بر آن، رسانه‌های کشور با تأکید بر ملزوماتی مثل تحصیل به‌عنوان پیش فرض سایر حقوق زنان از جمله حقوق سیاسی موجب شدند که حکومت با استفاده از این حربه این حق زنان را نادیده بگیرد. ناگفته نماند برخی زنان مقالاتی در باب مسائل سیاسی روز نگاشته و در مطبوعات چاپ می‌کردند. روزنامه «زبان زنان» در اواخر دوره قاجار به جرم محکوم نمودن قرار داد ۱۹۱۹، توقیف شد (صدیقه دولت آبادی، ۱۳۷۷: ج ۱/۲۳۰).

از اواسط دوره، زنان وارد عرصه‌هایی همچون پیشاهنگی و خلبانی شدند که تا پیش از این اختصاص به مردان داشت. تصاویر زیادی از بانوان پیشاهنگ در لباس نظامی به هنگام سان در مطبوعات منتشر می‌شد (اطلاعات، ش ۲۷۲۱، س دهم، ۱۳۱۴). روزنامه «اطلاعات» گزارشاتی همراه با تصویر از آموزش پرواز پسران و دختران منتشر می‌نمود (اطلاعات، ش ۴۴۰۸، س ۱۵، ۱۳۱۹). در همین سال «صدیقه دولت‌شاهی» نخستین خلبان زن ایرانی از سرتیپ نخجوان گلدان نقره دریافت نمود (Amin, 2002: 176). بنابراین آنچه گفته شد حضور زنان در موقعیتی غیر منتظره مشاهده می‌شود که در تضاد با حضور تثبیت شده آنان به عنوان زنان خانه نشین خانه‌دار بود. شاید بتوان گفت این امر نشان از پیشرفت گروه تازه وارد زنان به سطح موقعیت‌های جدید داشت. این گروه تازه وارد خواستار مزایایی بود که پیش از این از داشتن آنها محروم بود.

ورود زنان به عرصه هنر نمایش و آواز دیگر حوزه جدید فعالیت زنان در این دوره است. با تأسیس هنرستان هنرپیشگی، الزاماً یک‌سوم هنرجویان زن بودند (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۶۲). یک سفرنامه معاصر در این مورد چنین می‌نویسد: «یک روز زنی بازیگر را دیدم که گفتار نقش خود را به کمک دیگران یاد می‌گرفت زیرا با وجود آنکه زنی نوزده ساله بود سواد خواندن نداشت. او و معلمش پشت میزی ناهموار در حیاطی کوچک نشسته بودند و معلم او مدام کلمات را تکرار می‌کرد، چند شب بعد در تئاتری در فضای آزاد نمایشی عالی اجرا کرد» (هاکس، ۱۳۶۸: ۲۳۷).

## نتیجه

یکی از حوزه‌های مهمی که حکومت پهلوی در آن مداخله نمود زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان بود. در ساخت ایران مدرن مشارکت زنان ضروری بود. از این رو پایگاه زنان مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. زن مدرن از زن سنتی جدا شد. تصویر زن مدرن در مطبوعات زنی بود فاقد حجاب، ورزشکار و عموماً در آگهی‌های تبلیغاتی نیز حضور داشت. وظیفه پرورش نسلی وطن‌پرست و ترقی‌خواه بر عهده زنان نهاده شد. بنابراین وظیفه خانوادگی آنان به وظیفه‌ای ملی ارتقا یافت. مام وطن و مادر هر دو در کنار هم قرار گرفتند. متناسب با این تصویرسازی خانواده تک‌همسری مورد تأکید قرار گرفت و آموزش همسراری یکی از موضوعات پرتکرار مطبوعات شد. دیگر زن «ضعیفه» ای بدبخت نبود بلکه شریک زندگی مرد و یاور وی تلقی می‌شد. ارتقای پایگاه زنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی یک کارکرد دیگر هم داشت و آن کاهش خشونت خانگی علیه زنان بود.

با وجود نگرش جنسیتی به نقش زنان که در جامعه مسلط بود، بتدریج آنها تلاش کردند در پی ایفای نقشی باشند که تا پیش از آن تنها مردان اجرا می‌کردند. در ابتدا اشتغال و استخدام زنان در بخش آموزش و بهداشت و درمان اتفاق افتاد، چرا که بیش از هر چیز این دو بخش را با طبیعت زنان سازگار می‌دانستند. بر این اساس زنان از تحصیلات ابتدایی و معلمی، مامایی، تایپ، خیاطی و آرایشگری شروع کردند تا اینکه از اواسط دوره با فعالیت در تشکیلات پیشاهنگی و ورود به عرصه مشاغل با پرستیژ بالا و در عین حال مردانه همچون پزشکی، تدریس در دانشگاه و سرانجام هوانوردی به اثبات توانایی‌های خود همدوش مردان پرداختند. گرچه تا آخر دوره از ورود در فعالیت‌های سیاسی منع شدند اما همه این اقدامات و ورود به بحث‌های سیاسی گهگاهی، زمینه را برای ادعای حق رای در دوره بعدی فراهم نمود. بدین صورت آنها از نقشی که روشنفکران مرد برایشان تدارک دیده بودند فراتر رفتند.

مهم‌ترین بحث، مشارکت سیاسی زنان است که از ابتدای جریان روشنفکری مورد انکار قرار گرفت. روشنفکران که عموماً از جنس مخالف بودند با همه دعاوی مدرن‌سازی و اصلاح‌طلبی، با پیش‌فرضی نشأت گرفته از بدبینی نسبت به خویشتن‌داری اخلاقی زنان،

قائل به مشارکت فعال سیاسی-اقتصادی زنان نبودند. با کشف حجاب و ملهم از اصلاحات ترکیه که شامل حق رأی زنان به پشتوانه حضور آنان در جنگ بود، همزمان تغییراتی در نگرش نسبت به زنان در ایران ایجاد شد. پیشاهنگی زنان با لباس نظامی، ورود زنان به دانشگاه تهران، پذیرش زنان برای آموزش هوانوردی از این زمان به بعد اتفاق افتاد. بنابراین در اواخر دوره به نظر می‌رسید زنان برای کسب مزایای برابر با مردان وارد عرصه کارزار شده‌اند.

### ضمایم

#### تعداد معلمان مدارس ابتدایی ایران

سال تحصیلی	مرد: دولتی - خصوصی	زن: دولتی - خصوصی
۱۳۱۵-۱۳۱۶	۲۸۸۰ ۱۳۸۱	۱۴۴۱ ۱۰۳۵
۱۳۱۶-۱۳۱۷	۲۹۷۴ ۱۴۹۴	۱۸۴۳ ۱۱۴۹

#### تعداد معلمان مرد

سال تحصیلی	دولتی: متوسطه-آمادگی	خصوصی: متوسطه
۱۳۱۵-۱۳۱۶	۵۹۶	۷۲۶
۱۳۱۶-۱۳۱۷	۷۸۹	۷۸۹

#### تعداد معلمان زن

سال تحصیلی	دولتی: متوسطه-آمادگی	خصوصی: متوسطه
۱۳۱۵-۱۳۱۶	۱۰۹	۲۲۲
۱۳۱۶-۱۳۱۷	۱۴۳	۲۴۷

مأخذ: سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۷، ۱۳۱۷: ج ۲/۲۶۵



## کتابنامه

## الف) منابع فارسی

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۱)، *مقالات*، گردآوری باقر مؤمنی، زیبا، تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷)، *مکتوبات*، احیاء، تبریز.
- *اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی* (۱۳۷۸)، به کوشش سهیلا ترابی فارسانی، سازمان اسناد ملی ایران.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۲)، *دولت و فرهنگ در ایران ۱۳۰۴-۱۳۵۷*، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- ایرج میرزا، عارف و ایرج، (۱۳۳۳)، *ردیه منظوم به عارف نامه ایرج میرزا*، تهران، وطن ما.
- *پروژه تاریخ شفاهی ایران* (۱۳۶۷)، دانشگاه هاروارد، به کوشش حبیب لاجوردی، ج ۱۰، <http://bookiha.ir/20/5/2017>.
- پهلوی، اشرف (۱۳۷۷)، *چهره‌هایی در آینه*، ترجمه هرمز عبداللهی، تهران فرزانه روز.
- *تاریخ ایران دوره پهلوی از مجموعه تاریخ کمبریج* (۱۳۸۸)، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، نشر جام.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱)، *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، پیام امروز.
- *خشونت و فرهنگ: اسناد محرمانه کشف حجاب* (۱۳۷۱)، تهران، مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش.
- روزن، مادفون (۱۳۶۹)، *سفری به دور ایران*، ترجمه علی محمدعبادی، پازنگ.
- دولت آبادی، صدیقه، *نگرش و نگارش زن* (۱۳۷۷)، شیکاگو، ج ۱.
- *سالنامه وزارت فرهنگ ۱۳۱۵-۱۳۱۶* (۱۳۴۵)، چاپخانه ایران.
- *سالنامه وزارت فرهنگ ۱۳۱۵-۱۳۱۷* (۱۳۴۵)، ج ۲.

- سالنامه و آمار ۱۳۱۵-۱۳۱۴ (۱۳۱۶)، تهران، شرکت سهامی چاپ.
- سالنامه و آمار ۱۳۱۷-۱۳۱۸ و ۱۳۱۸-۱۳۱۹ (مجموعه قوانین فرهنگی) (۱۳۱۹)، تهران، فردوسی.
- سن، آمارتیاکومار (۱۳۸۵)، توسعه یعنی آزادی، ترجمه محمدسعید نوری نائینی، نشر نی.
- کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین (۱۳۰۷)، راه نو در تعلیم و تربیت، برلین، ایرانشهر.
- کرمانی، میرزا آقاخان، شیخ احمد روحی (۲۰۰۱)، هشت بهشت، نسخه الکترونیک <http://ketabnak.com/book> ۲۰۱۱/۵/۱۸.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۳)، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی.
- کسروی، احمد (۱۳۲۴)، خواهران و دختران ما، تهران، پرچم.
- کوزر، لوئیس؛ برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
- مسعود، محمد (۱۳۸۴)، تفریحات نوب، تلاونگ.
- مشفق کاظمی، مرتضی (۱۳۹۰)، تهران مخوف، امید فردا.
- معجزشستر، میرزا علی (۱۳۵۷)، کلیات، بی‌جا، بی‌نا.
- لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۵۷)، کلیات لاهوتی، توکا.
- هاکس، مریت، اونرا آملیا (۱۳۶۸)، ایران: افسانه و واقعیت، خاطرات سفر به ایران، ترجمه محمدحسین نظری نژاد، محمد تقی اکبری، احمد نمایی، مشهد، آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی.

### ب) روزنامه‌ها و مجلات

- اختر
- اطلاعات

– ایرانشهر

– پیک سعادت نسوان

– زبان زنان

– عالم نسوان

– کاوه

– نامه ایران باستان

– نامه بانوان

### ج) منابع لاتین

- Amin, Camron Michael, (2002), *The making of the modern Iranian woman*, United States of America, University Press of Florida.
- Arjomand, Said Amir, (1988), *The turban for the crown*, New York, Oxford University Press.
- Boyce, Annie tocki, (1930), *Muslim women in the Capital of Persia*, In Moslem World, no. 20, July.
- Honarbin Holliday, (2010), *Becoming visible in Iran*, London, Tauris Academic Studies.
- Matthee, Rudi, (1993), *Transforming Dangerous Nomads into Useful Artisans, Technicians Agriculturalists*: Education in the Reza Shah Period. Iranian Studies 26 nos. 3–4 (Summer/Fall 1993): 313–36.
- Najmabadi, Afsaneh, (2005), *Women with Mustaches and Men without Beards*, California, University of California Press.
- Pakravan, Fatemeh, (1998), *Memoirs of Fatemeh Pakravan, Wife of General Hassan Pakravan, Army Officer, Chief of State Intelligence and Security Organization*, Edited by Habib Ladjevardi. Cambridge: Iranian Oral History Project, Center for

Middle Eastern Studies, Harvard University.

- Paidar, Parvin, (1995), *Women and the political process in twentieth-century Iran*, London, Cambridge University.